



### چکیده

در نگاهی بسیار فراگیر و غیر حرفه‌ای می‌توان گفت هر مصاحبه‌ای، گفت‌وگو و هر گفت‌وگویی، مصاحبه است. اما در نگاهی محدود و حرفه‌ای گفت‌وگو و مصاحبه با وجود ظاهر و هم‌پوشانی‌هایی که دارند، کاملاً مانند هم به نظر نمی‌رسند. اینکه واژه «مصاحبه» که یک واژه کاملاً عربی است، از کی و چگونه برابر با واژه interview انگلیسی قرار گرفته و وارد حوزه زبان رسانه‌ای کشور ما شده، موضوعی است که در جای دیگری باید به آن پرداخت. آنچه در اینجا و به‌ویژه در گفت‌وگوهای ما سزاوار توجه است، تفاوت قائل شدن میان صحبت‌هایی است که از جهت نوع پرسش و پاسخ بیشتر به مصاحبه شبیه هستند تا گفت‌وگو. از این‌رو می‌توان پرسید:

۱. چه دلیل یا دلایلی موجب شده تا این دو شبیه به هم تصور شده یا به جای یکدیگر بنشینند؟

۲. این دو از حیث مفهوم، هدف، شکل و به ویژه کارکرد دارای چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر هستند؟

۳. میان مصاحبه و گفت‌وگو و انواع دیگر مانند مذاکره، مناظره، جدل، دیالکتیک و مانند آن چه نسبتی وجود دارد؟

۴. آیا تفاوت یا همانندی آنها آنقدر هست که بتوان برای هر یک از آنها تعریفی حرفه‌ای و متمایزکننده ارائه داد؟

این مقاله کوششی است آزاد برای پاسخ‌دادن به پرسش‌های مورد اشاره بالا. برای این منظور، و نیز روشن‌ساختن مفاهیم لغوی و حوزه‌های کاربردی واژه‌هایی مانند «مصاحبه»، «گفت‌وگو» و نیز «مذاکره» و مانند آن به فرهنگ‌های یک‌زبانه و دو‌زبانه انگلیسی و فارسی مراجعه شده است. در کنار آنها از فرهنگ‌های موجود در اینترنت هم کمک گرفته‌ایم و نشانی آنها را در پی‌نوشت آورده‌ایم. نکته دیگر، طرح چند ویژگی مهم برای هر یک از دو قالب «مصاحبه» و «گفت‌وگو» است که حاصل تجربه شخصی نویسنده است و مثل همه بخش‌های این مقاله می‌تواند مورد نقد قرار گیرد. پایان‌بخش این مقاله، پیشنهاد تعریف به نسبت نزدیک به کارکرد حرفه‌ای مصاحبه و گفت‌وگوست تا شاید بتواند نقطه عزیمتی مناسب برای پژوهش‌های عمیق و گسترده بعدی باشد.

# آیا مصاحبه همان گفت‌وگو نیست؟

❖ بهزاد کریمی

کارشناس علوم اجتماعی و گزارشگر

رادیو ایران

## طرح مسئله

با کمی دقت در بخش‌های گوناگون خبری صداوسیما که از جهاتی جدی‌ترین جلوه این رسانه است و همچنین با نگاهی حتی گذرا به اغلب برنامه‌های کارشناس محور رادیو و تلویزیون و به‌ویژه **رادیو گفت‌وگو**، درمی‌یابیم که در این رسانه هر صحبت دوفره یا چندنفره‌ای را گفت‌وگو می‌نامند. حال آنکه نوع اجراء ساختار، پرسش‌هایی که طرح می‌شوند و به خصوص هدف آن صحبت‌های دو یا چندنفره بیشتر ناظر بر مصاحبه است تا گفت‌وگو. این شکل از نامگذاری در چند سال اخیر از چنان فراوانی برخوردار شده است که می‌رود تا برای همیشه یکی از حرفه‌ای‌ترین مفاهیم رسانه، مصاحبه یا interview را به فراموشی بسپارد. روشن کردن حدود، کارکرد و هدف هر یک از دو گونه مصاحبه و گفت‌وگو انگیزه اصلی این نوشتار است.

## تعریف لغوی

به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که دست‌اندرکاران رسانه را بر آن داشته است تا گفت‌وگو و مصاحبه را کاملاً مانند هم بیندارند، توجه بیش از اندازه به شکل ظاهری آنها و به‌ویژه پیروی از رویکرد لغت‌نامه‌های دوزبانه است؛ رویکردی که در عرف اهل منطق به آن «تعریف شرح‌الاسم» می‌گویند و مراد از آن تفسیر یک کلمه با کلمه‌ای دیگر (باشد) که از آن مانوس‌تر است. مثل آنکه بگوییم «علم» یعنی «دانستن» و «آگاهی».

(خوانساری، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۶۶)

با این رویکرد که در بالا به آن اشاره شد، همه انواع مصاحبه، مذاکره، مباحثه، مناظره و حتی مغالطه را می‌توان ذیل عنوان «گفت‌وگو» قرار داد؛ چرا که در همه آنها دو یا چند نفر با هم می‌گویند و می‌شنوند.

به عنوان نمونه‌ای از این تعریف‌ها، فرهنگ دوزبانه نشر نو در برابر دو واژه «interview» و «conversation»، معادل‌های فارسی «گفت‌وگو» و «گفت‌وشنود» و مکالمه را آورده است. البته هستند فرهنگ‌ها و اصطلاح‌نامه‌های دوزبانه‌ای که با دقت و وسواس بیشتر به معادل‌سازی پرداخته باشند، اما معمولاً به آنها کمتر مراجعه می‌شود.

ناگفته پیداست که روش لغت‌نامه‌های دوزبانه در خور رفع نیازهای عمومی است تا واژه‌های مصاحبه‌های تخصصی حوزه‌های گوناگون دانش. این کاستی فرهنگ‌های دوزبانه ما را بر آن می‌دارد تا مصاحبه و گفت‌وگو را در یک

تعریف تحلیلی بررسی کنیم.

## تعریف تحلیلی

تعریف تحلیلی (analytical definition) یا «تعریف به عام و خاص» تعریفی است که در آن «ابتدا نام مجموعه بزرگ‌تری که آن چیز در آن واقع می‌شود، به میان می‌آید و سپس با ذکر یک ویژگی، آن چیزها را در آن مجموعه متمایز می‌سازند.» (خندان، ۱۳۸۶: ۷۵-۷۴)

پیش از قراردادن مفهوم مصاحبه در حوزه وسیع‌تری به نام گفت‌وگو، بهتر است هر یک از آن دو را از جهت لغوی، حوزه کاربردی و مترادف‌هایشان تجزیه و تحلیل کنیم و در نهایت به تفاوت‌ها و شباهت‌های هر یک بپردازیم.

## مصاحبه

«مصاحبه» واژه‌ای است عربی از باب مفاعله که در زبان عربی «فعل یا کار دوجانبه را می‌رساند و بیانگر شرکت دو شخص، دو چیز یا دو فعل است» (طباطبایی: ۱۳۶۹: ۷۴)؛ مانند مصافحه (دست یکدیگر را گرفتن برای دوستی) یا مصالحه (آشتی کردن یا یکدیگر) و مانند آن (معین، جلد ۳). همان‌طور که پیداست، این واژه در اصل بر ساخته عرب‌ها و ما برای واژه انگلیسی interview یا مصاحبه است. در توضیح این گونه خاص از گفت‌وشنود در فرهنگ تک‌زبانه انگلیسی آمده است:

A Formal of question in a Formal situation. usually in order to obtion information about them.

یعنی پرسش‌هایی رسمی، در یک موقعیت رسمی که معمولاً با هدف کسب اطلاعات طرح می‌شوند که در ادامه توضیحات خود به مصاحبه‌های مطبوعاتی، رادیویی و تلویزیونی و نیز مصاحبه‌های پلیسی و شغل‌یابی اشاره دارد. (OXFORD DICTIONARY)

## گفت‌وگو

«گفت‌وگو» واژه‌ای است کاملاً فارسی، اسم مصدر از «گفتن» به معنای گفت‌وشنود (معین، جلد ۳) که در نهاد خود گفتن و شنیدن و واگفتن را تداعی می‌کند که حاکی از صحبت دو یا چند نفر است. لغت و مفهومی که به دلیل گستردگی معنا در بیشتر فرهنگ‌های دوزبانه ما معادل هر نوعی از گفت‌وشنود آورده شده است. حال آنکه در فرهنگ‌های یک‌زبانه انگلیسی به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که به راحتی نمی‌توانند بر جای یکدیگر بنشینند. یکی از آن نمونه‌ها که اتفاقاً به مراد ما نزدیک است واژه discussion

است. در فرهنگ‌نامه **آکسفورد** آمده است:

To write or talk about something in detail showing the different ideas and opinions about it

«نوشتن یا صحبت کردن درباره برخی چیزهایی که نیازمند شرح و توضیح هستند تا از آن طریق بتوان نظرات و عقاید متفاوت را نشان داد.» این مفهوم از گفت‌وگو در زبان انگلیسی با مترادف‌هایی همراه شده است. به عنوان نمونه: talk, dialectic, dialog, argument, conversation و مانند آن. این واژه‌ها به رغم ظاهر گفت‌وگویی‌شان کاملاً مانند یکدیگر نیستند. مثلاً درباره لغت conversation بر غیررسمی و روزمره صحبت تأکید می‌شود:

An informal talk a small group of people or only two...

«یک صحبت غیررسمی میان یک گروه کوچک از مردم و یا فقط میان دو نفر». یا در واژه dialouge گذشته از گفت‌وگوهای متداول در نمایشنامه‌نویسی و سناریو که در آنجا هم «دیالوگ» نامیده می‌شود، تکیه بر یک گفت‌وگوی رسمی است که معمولاً منجر به یک تفاهم می‌شود:

A formal discussion between two groups or countries especially when they are trying to solve a problem

«یک گفت‌وگوی رسمی میان دو گروه یا دو کشور هنگامی که سعی دارند یک مشکل یا عدم توافق را بین خود حل کنند.» مثال گفت‌وگوی تمدن‌ها یا dialog of civilization می‌تواند الگوی مناسبی از این گونه تفاوت‌ها باشد. الگوی مناسب از این جهت که چرا برای آن از لغاتی مانند argument و یا حتی discussion را استفاده نکرده‌اند. مگر نه اینکه همه آن واژه‌ها ناظر بر صحبت دو نفر یا دو گروه است؟

#### مذاکره

واژه دیگری که در به‌کاربردن آن نیازمند توجه بیشتر هستیم، لغت negotiation یا «مذاکره» است؛ شکلی از یک گفت‌وگوی خاص که به دلیل شباهت ظاهری‌اش به صحبت دو یا چند نفره درحد یک گفت‌وگوی صرف فرو کاسته شده است. این نگاه تقلیل‌گرایانه تا آنجا پیش رفته که برخی صاحب‌نظران آن را یک آسیب در عرصه دیپلماتیک کشور دانسته‌اند؛ «در ذهن عموم مردم و برخی مسئولان مذاکرات سیاسی

یک کار ساده پیش‌پاافتاده تصور می‌شود در حالی که دانشگاه‌های معتبر جهان علاوه بر واحدهای زیادی که در زمینه روابط بین‌الملل تدریس می‌کنند، به روش‌ها، راهبردها و فن مذاکره نیز می‌پردازند.» (واعظی، ۱۳۸۷) در فرهنگ **آکسفورد** که بیشتر یک فرهنگ عمومی است تا تخصصی، آمده است:

Formal discussion between people who are reach an argument

«یک گفت‌وگوی رسمی میان مردم یا کسانی که سعی دارند به یک توافق دست پیدا کنند.» در یک تعریف کاربردی مراد از آن «تبادل ارتباط برای رسیدن به توافقی است که وقتی شما و طرف مقابل دارای منافعی هستید که بین شما مشترک است و در همان حال منافعی دارید که با یکدیگر در تضادند» (حیدری، ۱۳۷۵: ۲۰). به بیان دیگر، این نوع از گفت‌وگو ناظر بر گونه‌ای چانه‌زنی است.

یکی دیگر از واژه‌هایی که برخلاف شکل گفت‌وگویی‌اش بر گونه ویژه‌ای از گفت‌وشنود دلالت دارد، لغت argument است. فرهنگ **آکسفورد** آن را یک گفت‌وگوی همراه با مشاجره توضیح می‌دهد:

A conversation in which two or more people disagree Often angrily.

«یک صحبت یا گفت‌وگو که بین دو یا چند نفر که با هم موافق نیستند صورت می‌گیرد که معمولاً با پرخاش همراه است.» به بیان دیگر، این نوع از صحبت کردن همان چیزی است که بین ما به «مشاجره» معروف است و در آن، هر کس سعی دارد حرف خود را به کرسی بنشاند.

#### دیالکتیک

واژه دیگری است که از حیث خاستگاه و گذشته خود در حوزه گفت‌وگوهای استدلالی قرار می‌گیرد و سزاوار توجه است. از سابقه آن در گفت‌وگوهای مشهور سقراط و نوشته‌های افلاطون که بگذریم، فرهنگ **آکسفورد** آن را این‌گونه توضیح می‌دهد:

Philosophy a method of discovering the truth of ideas by discussion and logical argument and by considering ideas that are opposed to each other.

«یک روش [در حوزه فلسفه] به‌منظور جست‌وجو و کشف حقیقت افکار به وسیله

گفت‌وگو و بحث و جدل منطقی برای تشخیص عقایدی که در تقابل با یکدیگر هستند. به بیان روشن‌تر، دیالکتیک نوعی گفت‌وگوست که اهل منطق به آن جدل می‌گویند، و آن «بحث و پرسش و پاسخ است که به نحوی خاص بین دو تن در می‌گیرد؛ بدین طریق که یکی پیوسته از دیگری سؤال می‌کند و عقیده او را درباره امری جویا می‌شود و او را به بررسی مطالب و می‌دارد و او سؤال‌ها را پاسخ می‌گوید.» (خوانساری، ۱۳۷۹: ۳۸۴-۳۸۵) و جالب اینکه گونه یادشده به رغم شباهت‌های زیادی که می‌تواند با مناظره داشته باشد، کاملاً مانند آن نیست. چنان‌که صاحب کتاب منطق صوری با اشاره به بخشی از توضیحات کتاب **شفا**ی بوعلی سینا در تعریف مناظره می‌نویسد: «در مناظره، دو تن که به دو عقیده متقابل معتقدند با یکدیگر به بحث می‌پردازند بدون اینکه قصد الزام یکدیگر را داشته باشند؛ بلکه غرض اصلی آنها کشف حقیقت است و همین که حق بودن یکی از دو طرف نقیض معلوم شود، طرف مقابل به آن اذعان می‌کند.» (همان منبع)

#### Talk show

آخرین مورد از واژه‌های گفت‌وشنودی، واژه Talk show است که به‌نظر می‌رسد معادل فارسی آن تاکنون ساخته یا ارائه نشده است. توضیحی که در فرهنگ **آکسفورد** به چشم می‌خورد از این قرار است:

A television or radio Programme in which a Presenter introduces a Particular topic is than by the audience.

«یک برنامه رادیویی یا تلویزیونی به این طریق که یک مجری موضوع ویژه‌ای را به عنوان بحث آزاد طرح می‌کند و سپس گفت‌وگو با مخاطب یا میهمان آغاز می‌شود.» این گونه از گفت‌وگو یا گفت‌وشنود همچنان که در کتاب **مبانی گزارشگری تلویزیونی** آمده است:

«گپ‌های دوستانه زنده، برنامه‌هایی ساده و غیرتخصصی هستند و هدف آنها این است که مصاحبه در جوّی آرام و غیررسمی و به شکل گفت‌وگوی سرگرم‌کننده میان مصاحبه‌کنندگان مشهور و میهمانان آنها جریان یابد» (یورک، ۱۹۴: ۱۳۷۹). به بیان دیگر، این‌گونه از گفت‌وگو و واگفت یا همان گپ‌زدن‌های رادیویی و

تلویزیونی که چند سالی است مد شده است، در واقع، «مصاحبه‌ای است فروکاسته‌شده که بیش از آنکه به واکاو، بررسی و نقد یک گفتمان سیاسی فرهنگی هنری و... بپردازد، در نقش یک سرگرمی‌ساز ظاهر می‌شود» (حاجبی، ۱۳۸۷). خلاصه آنکه برای رسانه صرف حضور شخص به مراتب مهم‌تر از خود گفت‌وگو یا مصاحبه است. کمی دقت به واژه‌هایی که در اینجا فقط به پاره‌ای از آنها اشاره شد، نشان می‌دهد که هر لغت در زبان و حوزه مورداستفاده خود بر اساس کارکردهای متفاوتی که بر آن بار می‌شود، طبقه‌بندی شده است. به تعبیر فرانکفورد نچمیاس، «بدون تفاهم درباره مجموعه‌ای از مفاهیم ارتباط بین ذهنی امکان‌پذیر نیست. از این رو طبقه‌بندی مفاهیم استفاده‌کنندگان را ملزم می‌سازد تا جایی که ممکن است واژه یا مفهومی را به جای واژه دیگر به کار نبرند.» (فاضلی و لاریجانی، ۱۳۸۱: ۳۴)

حال که از طریق تعریف تحلیلی واژه مصاحبه را در مجموعه بزرگ‌تری به نام گفت‌وگو و در آنجا هم با نظایر خودش بررسی کردیم، به سراغ ویژگی‌های منحصر به فرد مصاحبه و گفت‌وگو می‌رویم تا از این رهگذر به یک تعریف توصیفی برسیم. تعریف توصیفی به این معنا که صفات ظاهری و برجسته و خاص که موجب تشخیص و امتیاز یک چیز از دیگر اشیا می‌شود.

### ویژگی‌های مصاحبه

- گفت‌وشنودی معمولاً دو نفره شامل یک مصاحبه‌کننده و یک مصاحبه‌شونده؛  
- پرسش‌هایی معمولاً از پیش تعیین شده؛  
- مصاحبه‌شونده همواره در جایگاه پاسخ‌گوست نه پرسش‌کننده؛  
- مصاحبه‌گر نباید جهت‌گیرانه گفت‌وگو و پرسش کند؛  
- مصاحبه‌گر به لحاظ حرفه‌ای مجاز به اظهار نظر شخصی و بیان عقاید خود نیست؛  
- مصاحبه‌گر در جایگاه افکار عمومی است و بازتاب‌دهنده پرسش‌های مخاطبان؛  
- مصاحبه در ذات خود شکلی از رسمی (formal) و جدی بودن را تداعی می‌کند؛  
- مصاحبه‌کننده معمولاً هم‌شأن و متخصص حوزه کاری فرد مصاحبه‌شونده نیست؛  
- مصاحبه معمولاً برای زمانی محدود طراحی می‌شود و در زمان تعیین شده به پایان می‌رسد و به جلسه دیگر موکول نمی‌شود؛

- وظیفه مصاحبه‌کننده فقط سؤال کردن است نه شرکت در مجادله؛

- مصاحبه‌کننده بیش از هر کسی باید مراقب حرکات دست و صورت خود باشد.

### ویژگی‌های گفت‌وگو در حوزه رسانه‌ای آن

- گفت‌وشنودی معمولاً بین دو نفر یا چند نفر که در آن میان یک نفر نقش مجری - کارشناس را بازی می‌کند و نه مصاحبه‌کننده صرف (اغلب از اهالی حوزه تخصصی میهمانان کسی پیشنهاد می‌شود).

- پرسش‌ها میان سؤال‌های خبری (news) و غیرجدی و همچنین بیان افکار و عقاید میهمانان شناور است.

- پرسش‌کننده و پاسخ‌دهنده پی در پی و بدون محدودیت می‌توانند در جایگاه یکدیگر قرار گیرند.

- گفت‌وگوکنندگان مجازند افکار شخصی

مصاحبه گونه‌ای از یک گفت‌وشنود خبری رسمی است که در آن مصاحبه‌کننده در جایگاه افکار عمومی است که به انگیزه اطلاع‌رسانی یا تبیین یک موضوع برای مخاطبان عام به روش پرسش و پاسخ از یک شخص حقیقی یا حقوقی و یا مشهور صورت می‌گیرد. گفت‌وگو به بحث‌گذاشتن یک موضوع در میان اهالی یک حوزه تخصصی به انگیزه طرح دیدگاه‌ها و عقاید متفاوت پیرامون آن بدون جانب‌داری از یک مرام یا فکر خاص است.

تخصصی خود را طرح کرده، به چالش بگذارند.

- مجری - کارشناس همواره در جایگاه افکار عمومی نیست و می‌تواند مخاطب ویژه خود را داشته باشد.

- گفت‌وگوکنندگان معمولاً با حوزه تخصصی یکدیگر آشنا و گاهی از حیث مرتبه علمی مساوی یا نزدیک به هم هستند.

- گفت‌وگو اغلب می‌تواند در یک جلسه پایان نیابد و ادامه آن به جلسه دیگر موکول شود.

- گفت‌وگو از جهت محتوا می‌تواند فارغ از مخاطب عام باشد و فقط برای حوزه تخصصی ویژه‌ای طراحی شود.

- گفت‌وگو ظاهری نه چندان رسمی دارد.  
- اداره‌کننده بحث می‌تواند در مجادله پیش‌آمده شرکت کند.

- گفت‌وگوکنندگان به لحاظ حرفه‌ای ملزم به



کم‌گویی و پرهیز از واژه‌های تخصصی نیستند.  
- مجری و میهمانان در تنگنای مراقبت دایم از حرکات دست و صورت خود نیستند.

- پرسش‌کننده و پاسخ‌دهنده پی‌درپی و بدون محدودیت می‌توانند در جایگاه یکدیگر قرار گیرند.

- گفت‌وگوکنندگان مجازند اندیشه‌ها و نظرهای خود را طرح کرده، آنها را به چالش بگذارند.

با نگاه به ویژگی‌های ذکرشده مصاحبه و گفت‌وگو که شاید در جزئیات بیش از اینها قابل شمارش باشد؛ تعریفی که مصاحبه را: «گزارش و حاصلی از فراگرد ارتباط بین دو سوی ارتباط به‌منظور دستیابی به واقعیتی که دارای یک یا چند ارزش خبری باشد» (محسنیان راد، ۱۳۷۷) می‌داند و در جای خود مهم است را کنار گذاشته به تعریفی می‌پردازیم که به هدف این نوشتار نزدیک است. از این‌رو تعریف پیشنهادی ما آن است که مصاحبه گونه‌ای از یک گفت‌وگوشنود خبری رسمی است که در آن مصاحبه‌کننده در جایگاه افکار عمومی است که به انگیزه اطلاع‌رسانی یا تبیین یک موضوع برای مخاطبان عام به روش پرسش و پاسخ از یک شخص حقیقی یا حقوقی و یا مشهور صورت می‌گیرد. گفت‌وگو به‌بحث‌گذاشتن یک موضوع در میان اهالی یک حوزه تخصصی به انگیزه طرح دیدگاه‌ها و عقاید متفاوت پیرامون آن بدون جانب‌داری از یک مرام یا فکر خاص است.

### نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد به رغم شباهت‌های فریبنده گفت‌وگو و مصاحبه، این دو آن‌قدرها هم که تصور می‌شود مانند هم نیستند و تفاوت‌های ظاهری و محتوایی و به‌ویژه کارکردی و همچنین شکلی (format)، آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. اگر کارکرد مصاحبه را «اقناع افکار عمومی» بدانیم، کارکرد گفت‌وگو «تبیین افکار و آرای صاحب‌نظران» است.

وسواس در مرزبندی میان مصاحبه و گفت‌وگو به این معنا نیست که همواره خط‌کشی به دست بگیریم و مانع نزدیکی آن دو بشویم، بلکه یادآوری این نکته است که: اولاً اهالی یک حوزه تخصصی مانند رسانه با بی‌شماری مخاطبانش نباید واژه‌های حرفه‌ای حوزه خود را «باری به هر جهت» به کار برند و از این طریق الگوسازی کنند. ثانیاً در یک کار حرفه‌ای مانند مصاحبه و گفت‌وگو روش اجرا و پرسش‌ها، کارکردهای

مخصوص خود را دارند؛ همچنان که پرسش‌های مصاحبه شغلی و پلیسی با مصاحبه‌های رسانه‌ای متفاوت هستند.

ممکن است گفته شود این قبیل نامگذاری‌ها و گفتارهای رسانه‌ای درخور چشم‌پوشی است. ناگفته پیداست این‌گونه نادیده‌گرفتن‌ها به دلیل ماهیت پرشماربودن مخاطبان رسانه و همچنین الگوسازبودن آن به این معنا نیست که دست‌اندرکاران آن مجاز باشند حوزه هر مفهوم یا اصطلاح حرفه‌ای را آن‌قدر گسترش دهند که یک اشتباه آشکار به جای یک مفهوم درست بنشینند. مانند واژه «هنر» که در اثر همان چشم‌پوشی‌ها بر هر مهارتی اطلاق می‌شود.

### پی‌نوشت:

برای تعریف واژه‌های لاتین می‌توان به فرهنگ‌های اینترنتی هم رجوع کرد؛ از جمله:  
Dictionary definition pronunciation -  
-yahoo education Dictionary . com

### منابع و مأخذ

- جعفری، محمدرضا (۱۳۷۶). **فرهنگ نشر نو**. تهران: فاخته
  - حاجبی، علیرضا (۱۳۸۷). **روزنامه اعتماد ملی**. ۲۲ مهر؛ مقاله‌ای با عنوان «تصویر مجازی یک رئیس‌جمهور».
  - خندان، علی‌اصغر (۱۳۷۹). **منطق کاربردی**. تهران: سمت.
  - خوانساری، محمد (۱۳۷۹). **منطق صوری**. تهران: آگاه.
  - طباطبایی، محمدرضا (۱۳۶۹). **صرف ساده**: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
  - فرانکفورد، چارا و نجمیاس، دیوید (۱۳۸۱). **روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی**. ترجمه: فاضل لاریجانی و رضا فاضلی. تهران: سروش.
  - فیشر و ویلیام (۱۳۷۵). **اصول و فنون مذاکره**. ترجمه: مسعود حیدری. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
  - محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۰). **روش‌های مصاحبه خبری**. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
  - واعظی، محمود (۱۳۸۷). «گزارش کنفرانس علمی فنون مذاکرات دیپلماتیک». **روزنامه همشهری**؛ ۲ آذر.
  - یورک، یور (۱۳۷۹). **مبانی گزارشگری تلویزیونی**. تهران: اداره کل پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما.
- Oxford advanced learners dictionary -  
ary . 7 th edition. 2006.